

گزاره‌های تفسیر المیزان درباره سوره مبارکه ضحیٰ^۱

وَ الضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ:

- این دو آیه سوگند به ضحی و لیل است،
 - و کلمه «ضحی» به طوری که در مفردات آمده به معنای گسترده شدن نور خورشید است.
 - ولی بعدها آن زمانی را که نور خورشید گسترده می‌شود نیز ضحی نامیدند،
 - و مصدر «سجو» که فعل سجی مشتق از آن است، وقتی در کلمه لیل استعمال می‌شود، معنای سکونت و آرامش شب را می‌دهد،
 - پس «سجو اللیل» آن هنگامی است که ظلمت شب همه جا را فرا گیرد.
- مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ:
- تودیع مصدر فعل «ودع» به معنای ترک است،
 - و کلمه «قلی» (به کسره قاف) به معنای بغض و یا شدت بغض است،
 - و این آیه جواب دو سوگند اول سوره است،
 - و مناسبت نور روز با مسأله وحی، و تاریکی شب با انقطاع وحی بر کسی پوشیده نیست.
- وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ:
- این آیه در معنای ترقی دادن مطلب نسبت به مفاد آیه قبل است،
 - و مفاد آیه قبلی موقف کرامت و عنایت الهی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله اثبات می‌کرد،
 - در این آیه می‌فرماید تازه زندگی دنیای تو با آن کرامت و بزرگی که داری، و با آن عنایتی که خدای تعالی به تو دارد در برابر زندگی آخرت چیزی نیست،
 - و زندگی آخرت تو از دنیایت بهتر است.
- وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ:
- این آیه شریفه آیه قبل را تثبیت می‌کند
 - و [این آیه] می‌فرماید: در زندگی آخرت خدای تعالی آن قدر به تو عطا می‌کند تا راضی شوی،
 - هم عطای خدا را مطلق آورده، و هم رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله را.^۳

^۱ ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۲۲-۵۲۷

^۲ ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۲۲: بیان: بعضی (مجمع البیان) گفته‌اند: چند روزی به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی نشد، به طوری که مردم گفتند خدا با او وداع کرده، در پاسخشان این سوره نازل شد و خدای تعالی به این وسیله آن حضرت را شاد کرد، و در سوره مورد بحث، هم احتمال مکی بودن هست و هم مدنی بودن.

أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى:

- این آیه و دو آیه بعدش به بعضی از نعمت‌های بزرگی اشاره می‌کند که خدای تعالی به آن جناب انعام کرده بود،
 - آری رسول خدا صلی الله علیه و آله هنوز در شکم مادر بود که پدرش از دنیا رفت، و دو سال بود که مادرش درگذشت، و هشت ساله بود که کفیل و سرپرستش و جدش عبدالمطلب از دنیا رفت، و از آن به بعد در تحت تکفل عمویش ابوطالب قرار گرفت.^۴
- وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى:

- مراد از «ضلال» در اینجا گمراهی نیست، بلکه مراد عدم هدایت است،
- و منظور از هدایت نداشتن رسول خدا صلی الله علیه و آله، حال خود آن جناب است،
- و یا صرف نظر از هدایت الهی [آیه] می‌خواهد بفرماید اگر هدایت خدا نباشد تو و هیچ انسانی دیگر از پیش خود هدایت ندارید مگر به وسیله خدای سبحان،
- پس رسول خدا صلی الله علیه و آله هم، نفس شریفش با قطع نظر از هدایت خدا ضاله و بی راه بود،
- هر چند که [پیامبر] هیچ روزی از هدایت الهی جدا نبوده و از لحظه‌ای که خلق شده بود ملازم با آن بود،
- در نتیجه آیه شریفه در معنای آیه زیر است، که می‌فرماید: «مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ»،
- و از همین باب است کلام موسی که بنا به حکایت قرآن کریم از آن جناب گفته بود: «فَعَلَّتْهَا إِذًا وَ أَنَا مِنَ الضَّالِّينَ»، یعنی هنوز به هدایت رسالت اهتدا نشده بودم.^۵

^۳ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: ولی بعضی از مفسرین گفته‌اند: این آیه ناظر است به هر دو زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله، هم به زندگی دنیایی‌اش، و هم به زندگی آخرتی‌اش.

^۴ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: بعضی گفته‌اند: مراد از یتیم در این آیه پدر مرده نیست، بلکه منظور بی‌نظیر بودن است همچنان که در بی‌نظیر را هم در یتیم می‌گویند، و معنای این آیه این است که: مگر نبود که خدا تو را فردی بی‌نظیر از بین مردم دانست، و در نتیجه مردم را دور تو جمع کرد؟

^۵ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: قریب به این معنا گفتار بعضی از مفسرین است که گفته‌اند: مراد از ضلالت، از دست دادن علم است، همچنان که در آیه «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»، ضلالت به این معنا آمده، و مؤیدش آیه زیر است که می‌فرماید: «وَ إِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ».

بعضی دیگر گفته‌اند: معنایش این است که خدا تو را در بین مردم گمشده یافت، مردم تو را نمی‌شناختند، و قدرت را نمی‌دانستند، و او مردم را به سوی تو و اینکه چه کسی هستی دلالت و هدایت کرد.

بعضی دیگر گفته‌اند: این آیه به گم شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله در راه هوازن و مکه اشاره دارد، آن زمان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دامن حلیمه سعیدیه دختر ابی ذؤیب بود، و حلیمه به طوری که در روایت آمده می‌خواست وی را به جدش عبدالمطلب برساند، در بین راه متوجه شد که محمد صلی الله علیه و آله نیست.

بعضی دیگر گفته‌اند: اشاره است به آن واقعه‌ای که در کودکی آن جناب رخ داد، و در دره‌های مکه گم شد.

وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي:

- کلمه «عائل» به معنای تهی دستی است که از مال دنیا چیزی ندارد،
- و رسول خدا صلی الله علیه و آله همین طور بود، و خدای تعالی او را بعد از ازدواج با خدیجه دختر خویلد (علیها السلام) بی نیاز کرد، و خدیجه تمامی اموالش را با همه کثرتی که داشت به آن جناب بخشید.^۶
فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرَ:

- راغب می گوید: کلمه «قهر» به معنای غلبه کردن بر کسی است، اما نه تنها غلبه کردن، بلکه غلبه توأم با خوار کردن او، و قهر به یک یک این دو معنا هم گفته می شود.
وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَر:

- کلمه «نهر» که مصدر فعل نهی «لا تنهر» است، به معنای زجر و رنجاندن با غلظت و خشونت است.
وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّث:

- کلمه «تحديث» که مصدر فعل امر «حدث» است، وقتی در نعمت به کار رود -تحديث نعمت- به معنای ذکر و یادآوری و نشان دادن آن است،
- حال [این یادآوری و ذکر و نشان دادن] یا به زبان و یا به عمل [است]،
- و این عمل [تحديث نعمت] شکر نعمت است،
- و اوامر و نواهی این چند آیه، یعنی خوار نکردن یتیم، و رنجاندن فقیر، و نشان دادن نعمت، دستور به همه مردم است، هر چند که خطاب متوجه به شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله شده.
- و این آیات سه گانه به خاطر اینکه حرف «فاء» در ابتدای آیه اولی درآمده نتیجه گیری از آیه قبل است که عنایات الهی نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله را می شمرد،
- گویا فرموده:

- تو طعم ذلتی را که یتیم می چشد چشیده ای، و ذلت و شکسته شدن دل او را احساس کرده ای، پس هیچ یتیمی را خوار مشمار، و مال او را هم خوار مدار و در آن تجاوز مکن،
- و نیز تو تلخی گمراهی و احتیاج به هدایت را، و تلخی فقر و تهی دستی را درک کرده ای، پس هیچ سائلی را که از تو می خواهد حاجتش را برآوری از خود مران، حاجتش اگر هدایت است و اگر معاش است برآور،

و بعضی آیه را اشاره به داستان گم شدنش در راه شام دانسته اند که با عمویش ابوطالب در کاروان میسره غلام خدیجه به شام می رفت، و در بین راه ناپدید شد.

و بعضی دیگر وجوه دیگری ذکر کرده اند که ضعفش برای هر خواننده ای روشن است.

^۶ در ادامه این بخش در تفسیر می خوانیم: ولی بعضی گفته اند: مراد از اغناء، استجابت دعای آن حضرت است.

○ و تو طعم انعام خدا را بعد از فقر و تهی‌دستی چشیده‌ای، و ارزش جود و کرم و رحمت خدا را می‌دانی، پس نعمت او را سپاس گوی، و همه جا نعمتش را یادآور شو، و از مردم پنهانش مدار.^۷

^۷ بحث روایی سوره در تفسیر المیزان:

در تفسیر قمی در ذیل آیه «وَ الضُّحَى» امام فرموده: ضحی به معنای بلند شدن نور خورشید است، «وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى» یعنی شب در هنگامی که همه جا را تاریک کند.

و در همان کتاب در معنای جمله «وَ مَا قَلَى» فرموده: یعنی و تو را دشمن نداشت.

و سیوطی در الدر المنثور در ذیل آیه «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» از ابن ابی شیبیه از ابن مسعود روایت آورده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خدای تعالی برای ما آخرت را بر دنیا برگزید و ترجیح داد، و لذا فرمود: «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى».

و در همان کتاب است که عسکری در کتاب «المواعظ» و ابن لال و ابن نجار، از جابر بن عبدالله روایت کرده‌اند که گفت: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر علی و فاطمه وارد شد. دید فاطمه مشغول دستاس کردن است، در حالی که به جای لباس، حله شتر بر خود افکنده، همین که چشمش به او افتاد فرمود: یا فاطمه بشتاب و تلخی دنیا را بچش، برای فردا و نعیم آخرتش، دنبال این جریان بود که آیه «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» نازل شد.

مؤلف: در این روایت دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه خواسته باشد بگوید آیه مذکور نخست به تنهایی بعد از آیات قبلش نازل شد، و بعدها بقیه آیات سوره به آن ملحق گردید، دوم اینکه سوره همه‌اش یکباره نازل شد، و در خصوص این داستان، آیه مورد بحث دوباره نازل شده باشد.

و در همان کتاب است که ابن منذر و ابن مردویه و ابونعیم - در کتاب الحلیه - از طریق حرب بن شریح روایت کرده‌اند که گفت: من به ابی‌جعفر محمد بن علی بن الحسین (امام باقر) علیه السلام گفتم: به نظر شما این شفاعتی که اهل عراق بر سر زبانها دارند حق است؟ فرمود: آری به خدا سوگند عموم محمد بن حنفیه از علی بن ابی طالب نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن قدر از امتم شفاعت می‌کنم که خدای تعالی خطاب می‌کند ای محمد آیا راضی شدی؟ عرضه می‌دارم: بلی، پروردگارا راضی شدم. آنگاه رو به من -حرب ابن شریح- کرد و فرمود: شما به اهل عراق می‌گویید: از تمامی آیات قرآن آیه‌ای که بیش از همه امید بخش است آیه زیر است که می‌فرماید: «يَا عِبَادِ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» ای بندگانه که بر خود ستم روا داشتید، از رحمت خدا مایوس نشوید، که خدا همه گناهان را می‌آمرزد» عرضه داشتیم بله، ما اینطور معتقدیم، فرمود: لیکن ما اهل بیت می‌گوییم از همه آیات در کتاب خدا امیدبخش‌تر آیه «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» است، که راجع به شفاعت است.

و در تفسیر برهان از ابن بابویه نقل کرده که وی به سند خود از ابن جهم از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که در مجلس مأمون فرمود: خدای تعالی به پیامبر گرامیش محمد صلی الله علیه و آله فرموده: «أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى»، یعنی تو یتیمی بودی خدای تعالی مردم را دور تو جمع کرد، «وَ وَجَدَكَ ضَالًّا» یعنی تو نزد قومت گم شده بودی، «فَهَدَى» یعنی قوم تو را به سوی معرفت تو هدایت نمود، «وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» یعنی تو را بی نیاز کرد از این راه که دعایت را مستجاب نمود مأمون چون این تفسیر را شنید گفت: خدا در تو برکت دهد یا بن رسول الله (و یا خدا در تو برکت نهاده).

و در همان کتاب از برقی نقل کرده که او به سند خود از عمرو بن ابی نصر نقل کرده که گفت: مردی از اهل بصره برایم حدیث کرد که من حسین بن علی (علیهما السلام) و عبدالله بن عمر را دیدم در خانه کعبه طواف می‌کردند، از ابن عمر معنای آیه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» را پرسیدم، گفت: خدای تعالی به آن جناب دستور داده نعمت‌های خدا را حدیث کند و به مردم بگوید.

آنگاه به حسین بن علی عرض کردم منظور از آیه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» چیست؟ فرمود به آن جناب دستور داده که نعمت دین را که خدا به او انعام فرموده با مردم در میان بگذارد.

و در الدر المنثور است که بیهقی از حسن بن علی روایت کرده که در معنای آیه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» فرمود: هر وقت به چیزی رسیدی به برادران ایمانیت اطلاع بده.

و در همان کتاب است که أبوداوود از جابر بن عبدالله روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با نعمتی که به او داده شده مورد آزمایش قرار گیرد و آن را به اطلاع مردم برساند شکرش را به جا آورده و هر کس آن را کتمان کند کفرانش نموده، و هر کس در این باب، بلفظ بزند و خود را به چیزی که ندارد و به او نداده‌اند بیاراید مثل کسی است که جامه دروغ به تن کرده باشد.